



۲۰۱۸/۰۳/۱۴



حمید انوری

## "آشپان من بیچاره اگر سوخت چه باک"



گروهی از فعالان مدنی به مناسبت ۸ مارچ روی یکی از دیوارهای جاده دارالامان که منتهی به خانه حکمتیار می شود سیمای داکتر حمیده برمکی، استاد پوهنخی حقوق پوهنتون کابل را به تصویر کشیدند. حمیده برمکی و تمام فامیل اش در حمله انتحاری در فروشگاه فاینست که حکمتیار مسبب آن بود کشته شدند. آشپان زنده یاد "حمیده برمکی" را اجیران بی مقدار گلبدین در یک چشم برهم زدن سوختند و دودش بر آسمان رفت. گلبدین مسؤلیت آن حمله انتحاری را بر عهده گرفته بود و این زمان آن جنایت فجیع را "استشهادی" خوانده و تائید میکند و خمی هم بر ابرو نمی آورد و بر ریش حکومت دوسره می خندد. گلبدین با اشاره امریکا با سر خم و وجدان مرده و دستان خون آلود بعد از سی (۳۰) سال به افغانستان آورده شد و در نواحی قصر مخروبه دارالامان کابل در یک قصر تازه ساخت و مفشن جاه داده شد. دو قصر دیگر را نیز در دو سوی این قصر، به خانواده و رفقا و بادبگارد های تا دندان مسلح او پیشکش کردند. (قصر زیبای دارالامان که یادگار غازی امان الله خان بود در اثر راکت پرانی های گلبدین و رقبای تنظیمی اش با خاک یکسان گردید).

در روز بین المللی زن، هموطنان با احساس ما تصویری را در دیوار نزدیک به قصر گلبدین نقاشی کردند که موجب تحسین، تمجید و استقبال هموطنان ما قرار گرفت.

چند روزی از آن ابتکار بی سابقه نگذشته بود که گلبدین اجیران و پادوان خود را فرستاد تا آن تابلوی قشنگ و پر معنی را محو کنند.

گماشتگان این تروریست خونریز و این قصاب کابل دست به کار شدند و با پاشیدن رنگ بر روی نوشته ها و تصویر خواهر شهید ما، روانشاد "حمیده برمکی"، تلاش کردند تا آثار آن جنایت عظیم را محو و نابود کنند، غافل از آنکه با محو آثار جرم، در حقیقت به آن جنایت اعتراف کرده اند.

تروریستان حرفوی که کابل زیبا را به خاک و خون کشیدند، بیش از شصت و پنج هزار از هموطنان شریف، مظلوم و بی دفاع ما را از دم تیغ عداوت خود کشیدند، ده ها هزار از هموطنان ما را معیوب و معلول ساختند و ده ها هزار دیگر را آواره و در به در ساختند، به این فکر خام نباشند که جنایات آنها فراموش می شود. این حقیقت را در کله های خام خود فرو کنند که تاریخ حافظه قوی دارد و به گفته مشهور وطنی ما "آش مردها دیر پخته می شود". گلبدین ها در انتظار کشنده عدالت مردمی باشند و بدانند که هر عملی را عکس العملی در قبال است، کجا شد ربانی، کجا شد مزاری، کجا شد مسعود، کجا شد نجیب و ببرک و تره کی و... و اما برگردیم بر عکس العمل تروریستان حزب اسلامی گلبدین که حتی تحمل تصویر یک قربانی جنایات شانرا در یک دیوار کابل هم ندارند.

گزارشی در این مورد را باهم تول و ترازو میکنیم:

### [ حمله افراد حکمتیار به نقاشی حمیده برمکی ]

دو مردی که گمان می رود از افراد و هواداران گلبدین حکمتیار باشند با رنگ تصویر نقاشی شده ای حمیده برمکی فعال حقوق زن و استاد پیشین پوهنتون کابل که همراه با خانواده اش در حمله حزب اسلامی در کابل کشته شدند را از مقابل خانه گلبدین حکمتیار محو می کند.

"گمان" نمی رود، این یک حقیقت مسلم است که به غیر از گماشتگان گلبدین، هیچ هموطن دیگری، به هر قوم و قبیله ای که تعلق داشته باشد، آثار جرم و جنایت گلبدین و سازمان تروریستی او را محو و پرده پوشی نمی کند و هیچ افغانی مشکلی با آن ندارد.

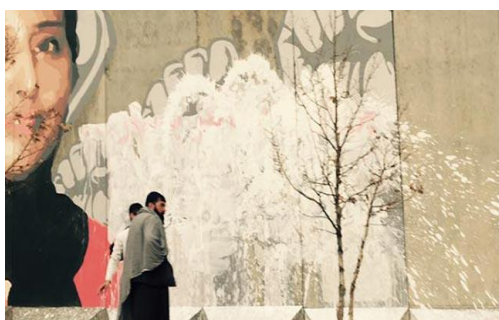
البته اگر عدالتی در کار باشد، پولیس با سادگی میتواند لاقط چهره کثیف یکی از این تروریستان را از روی عکس شناسائی کند و دومی را هم توسط اولی دستگیر و به محاکمه بکشاند، اما اوضاع و احوال را در کشور دربند ما چنان طراحی کرده اند که عدالت را با میکروسکوپ هم نمی شود پیدا کرد.

به گزارش هشدار، این دو مرد که پیراهن تنبان به تن دارند و یکی از آن ها با پتو خود را پیچانیده است، با پاشیدن رنگ سفید به دیواری که تصویر حمیده برمکی در آن نقاشی شده است، در پی نابودی این نقاشی تکان دهنده اند.

این افراد شعارهای حک شده در کنار تصویر خانم برمکی را با پاشیدن رنگ سفید محو کرده اند.

حال با دقت ببینیم که در آن شعار چه نوشته شده بود:

در کنار تصویر شهید "حمیده برمکی" فقط این جمله نوشته شده بود "پرواز را بخاطر بسپار" و روز جهانی زن برای زنان افغان مبارکباد.



این فقط میتواند تروریستان حزب اسلامی گلبدین و دیگر سازمان های تروریستی از این قماش را عصبانی سازد که با هرگونه پرواز دشمن اند، زنان را در قفس و با زنجیر و نولانه می خواهند و گویا "وزیر داخله خانه".

این آدمکشان حرفوی و تروریستان خونریز در حالی با زنان افغان دشمنی خود را به نمایش میگذارند که قبل از

ورود شرم آور گلبدین به کابل، دخترانش در سفارت امریکا در کابل بر پا های ارباب قدم بوسه میزدند، دختر ربانی مدل لباس در دبی است و ۱۲ میلیون دالر را یک رستوران ساخته است.

گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی پس از سال ها جنگ و ایستادگی برضد حکومت های پسا طالبانی افغانستان و متحدان بین المللی اش، سرانجام رو به آشتی آورد تا در خانه ای مجلی که از پول کمک شده ای کشورهای غربی در انتهای جاده ای دارالامان ساخته شده است، زندگی را به آسودگی بگذراند.

گلبدین با تمام بی شهامتی ها و بی غیرتی هایش، هرگز نمی تواند لذت یک زندگی عادی را مزه کرده و در نتیجه زندگی آسوده را بگذراند، هرچند ذره ای وجدان در وجود بی وجودش نیست که نیست، اما شب و روز در ترس و دلهره بسر میبرد و خوب هم میدانند که در قصر اهدائی امریکا در دارالامان کابل زندانی است و در بند کشیده شده.

هرچند این آسودگی، زیر سایه ای اتهام های جنایت های جنگی که بر او برچسپ زده می شود گه گاهی به کامش تلخ نیز می گردد.

این آسودگی جسمی مبارکش باد که روحاً سخت معذب است، اما به او و حزب تروریستی او هیچ "اتهام"، "برچسپ" زده نمی شود، او با بی غیرتی تمام بر تمام جنایت حزب شاریده خود اعتراف کرده و میکند و انتحاری های حزب اسلامی خود را، "استشهادی" گفته تائید کرده و بر آنها افتخار هم میکند. "کام" او هیچگاه تلخ نمی شود، زیرا بگفته مشهور "پیش جانانه من پنبه و پندانه یکبست".

اگرچه حکمتیار این اتهام ها را رد می کند، اما مردم کابل با گفتن اینکه "لکه های خون هیچ گاهی از دامن قصاب پاک نمی شود" حاضر نیستند بر آنچه حکمتیار در دوران جنگ های داخلی مرتکب شده است، چشم ببوشانند.

در بیشتر از سه دهه پسین در افغانستان به خون خفته، حتی یک جنایتکار هم به جرم خود اعتراف نکرده است و معلومدار گلبدین هم شهادت چنین کاری را ندارد.

مردم شریف افغانستان هرگز و حتی برای یک لحظه هم نه تنها جنایات عظیم گلبدین را فراموش نمی کنند، بلکه جنایتکاران خلقی- پرچی، خادیس، ملیشه، تنظیم های ساخت پاکستان و ایران و طالبان ساخت انگلیس- امریکا و پاکستان را نیز فراموش نمی کنند.

چنانچه به تازگی گروه نقاشی "هنر سالار"، چهره ای خانمی را در مقابل این خانه مجلل حکمتیار، نقاشی کرده است که در یکی از حمله های انتحاری حزب اسلامی در فروشگاه فاینست کابل در سال ۱۳۸۹ خورشیدی با تمام اعضای خانواده اش به کام مرگ رفت.

در آن عمل جنایتبار انتحاری ده ها هموطن ما کشته و ده ها نفر دیگر زخمی و معیوب شدند و امروز گلبدین با تیختر گلو پاره میکند که آن عمل سخیف که به دستور او اجرا شد، یک عمل "استشهادی" بوده و در دین روا است.

حالا هفت سال پس از رویداد کشته شدن خانم برمکی و خانواده اش، امید شریفی، مسوول گروه هنری هنر سالار با این ابتکارش، عکس خانم برمکی را در مقابل خانه حکمتیار نقاشی کرده است تا با این کارش، وجدان این جنگ سالار پیشین را بیدار نگه دارد و او را متوجه پیامد اشتباه اش کند.

کاش او ذره ای وجدان می داشت که آنرا می شد به هر وسیله ای بیدار نگهداشت. او هرگز اعتراف نکرده است و نمی کند که "اشتباه" کرده است. او اشتباه نکرده، بلکه دستور اربابان خود را اجرا کرده است. امید شریفی در این مورد به خبرگزاری هشدار گفت: "مه خواستم همی نقاشی، رو به روی خانه ای این آدم (گلبدین حکمتیار) باشد تا هرباری که از آنجا می گذرد حداقل وجدانش آزار ببیند و شب خوابش نبرد." کاش چنین می بود و کاش این هیولای بی شاخ و دم، ذره ای وجدان می داشت که ندارد.



بسیار " در برابر خانه ای گلبدین حکمتیار که مسئولیت حمله ای را که در آن خانم برمکی و خانواده اش کشته شدند را به دوش گرفته بود، نقاشی شده است.

به تاریخ ۱۶ می سال ۲۰۱۳ میلادی خانم برمکی در حمله یک انتحار کننده مربوط به حزب اسلامی حکمتیار در فروشگاه فاینست در منطقه وزیر اکبرخان کابل، همراه با تمام

اعضای خانواده اش کشته شدند. در این حمله چند خارجی نیز که در این فروشگاه مصروف خریداری بودند، کشته شدند.

"حمیده برمکی" ها و صد ها و هزاران و هزار زن و مرد و پیر و جوان و کودک و طفل این دیار باستان فریاد میکشند، چیغ میزنند و فغان دارند و ناله میکنند که:

**" آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک فکر ویران شدن خانه صیاد کنید"**

اما در ویرانه سرای افغانستان کس به فکر ویرانه نمودن خانه صیاد و صیاد ها نیست، اینجا قاتلین و جانپان را پاداش میدهند، تروریستان را جاه و مقام میدهند، جنگ سالاران را وزارت و صدارت و ولایت و سفارت می بخشند و به ریش قربانیان، چپ و راست می خندند، غافل از آنکه اگر چندی چنین مانده است، بیش از این نمی ماند و عاقبت حق در جایگاه خود قرار خواهد گرفت. به لینک ذیل کلیک کنید:

[Mural of Hizb-e-Islami Victim Goes Up Near Hekmatyar's House](#)

دیدنی که خون ناحق پروانه شمع را  
چندان امان نداد که شب را سحر کند